

بررسی آراء مفسران در تبیین شیوه تربیتی قرآن کریم در وحدت ادیان توحیدی با تأکید بر آیه ۱۹ آل عمران^۱

* غلامحسین اعرابی

** علی احمد ناصح

*** رضا نجفی

چکیده

آیه ۱۹ آل عمران، حقیقت دین را تعبد و تسليم دانسته، اختلافها را از خودخواهی و ستمگری ناشی می‌داند. بنابراین اگر چه شرایع در فروع دارای تفاوت‌هایی هستند، اما دین چیزی جز تسليم در برابر حق نیست. نگارش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، با استناد به آراء مفسران به بررسی آیه ۱۹ آل عمران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که سه محور توحید، معاد و عدل می‌تواند پیروان ادیان آسمانی را در کنار هم قرار داده، راه تفرقه و تشتن اجتماعی را مسدود نماید. از این‌رو قرآن کریم در شیوه تربیتی خود از باورهای اعتقادی استفاده کرده است. در نتیجه دین در سه قسم اساسی دسته‌بندی شده است که عبارتند از: دین حق، دین باطل و دین ثابت. با مبنا قرار گرفتن دین ثابت، وحدت اجتماعی می‌تواند نتیجه وحدت اعتقادی در میان پیروان ادیان توحیدی باشد.

واژگان کلیدی

آیه ۱۹ آل عمران، ادیان توحیدی، محورهای توحید.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی محترم است.

golamhosein.arabi@gmail

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

aliahmadnasch@yahoo

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

najafi9487@gmail.com

۴. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث پردیس دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰

طرح مسئله

هم‌گرایی ادیان توحیدی از مهم‌ترین موضوعات طرح شده در قرآن کریم است که تحقق آن به وحدت اجتماعی دین‌داران و موحدان می‌انجامد. این مهم گامی فراتر از اتحاد میان فرق و مذاهب اسلامی است؛ چراکه همبستگی و توافق میان پیروان ادیان بزرگ آسمانی را هدف‌گذاری نموده است. اهمیت این موضوع بر کسی پوشیده نیست. تشتت و تفرقه میان طوایف یهود از یکسو و دشمنی میان پیروان ادیان از سوی دیگر بر اهمیت موضوع افزوده است. پراکندگی و خصوصیت میان پیروان ادیان در عصر نزول به قدری بوده است که بخش قابل توجهی از آیات کلام‌الله مجید به این موضوع اختصاص یافته است. موضوعی اساسی که تا کنون نیز جامعه جهانی بشر را به خود مشغول نموده است. به گواهی آیات میان یهودیان و مسیحیان رقابت‌های تفرقه‌آمیز رواج داشته است: «وَقَاتَ الْيَهُودُ لِيَسْتَ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَاتَ النَّصَارَى لِيَسْتَ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّلَوُنَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَاثُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ». (بقره / ۱۱۳) دامنه اختلاف اهل کتاب به اختلاف در کتاب‌های دینی نیز کشیده شده بود. قرآن کریم آنان را به دلیل اختلافشان انذار نموده است: «ذَلِكَ يَأْنَ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (بقره / ۱۷۶) واژه شقاق به معنا شکاف و جدایی است. این تعبیر شاید اشاره به این باشد که ایمان و تقوا و افشاء حق، موجب ایجاد وحدت و اتحاد است، درحالی‌که خیانت و کتمان حقائق، پراکندگی را در پی دارد به گونه‌ای که شکاف عمیقی را در میان اهل کتاب ایجاد نموده است.

(بن‌عاشور، ۱۴۲۰ / ۲ : ۱۲۶)

رویکرد قرآن کریم در مواجهه با سایر ادیان برپایه ایجاد جذابیت و برقراری وحدت بنا شده است. به علاوه تلاش دین مبین اسلام بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در جهت تغییر رفتار اهل کتاب و جلوگیری از تفرقه‌افکنی آنان است. بنابراین لازم است عبارت‌ها و آیه‌هایی که در این خصوص نازل شده است بررسی و تحلیل گردد. برخی از این آیات با صراحةً به موضوع وحدت و هم‌گرایی میان پیروان ادیان توحیدی پرداخته، به گونه‌ای که مسیر تمامی تردیدها را مسدود کرده است. قرآن کریم به وضوح به دوری از تفرقه دستور داده و پیامبر ﷺ را مکلف می‌کند تا با اهل کتاب ارتباط اعتقادی و اجتماعی برقرار نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْ إِلَيَّ كَلِمَةَ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنَّا نَعْبُدُ إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا نُشْرِكُ يِهْ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْ فَقُولُوا اشْهَدُوا يَأْنَا مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۶۴) توحید به عنوان کلامی حق، محور ادیان توحیدی قرار گرفته و از اعوجاج و کجی

آنها جلوگیری می‌کند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۴ / ۱۰۸؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۸۸) به عبارت دیگر قرآن کریم تنها وحدانیت خدا را شایسته محوریت اتحاد و همبستگی ملل و ادیان معرفی کرده است؛ چراکه تورات و انجیل و قرآن بدان دعوت کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۹۰) این موضوع به حقیقت توحیدی ادیان اشاره نموده، وحدت در پرستش و عبودیت را مذکور شده است. همه ادیان به‌دلیل القای یک اندیشه واحد بوده‌اند و تفرقه و منازعه میان آنها موضوعیت ندارد (مراغی، بی‌تا: ۳ / ۱۷۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۱۳) پیامبر اکرم ﷺ مأموریت یافته تا پیروان همه ادیان را به درک درستی از کلمه توحید برساند و از آنان بخواهد تا از بپراهمه پرهیز نموده و خود را در مسیر تعالیٰ حقیقت دین قرار دهند. بنابراین قرآن کریم، رسول خدا ﷺ را در انحصار اجتماعی و اعتقادی قرار نداده و آن حضرت را به عنوان منادی توحید و حقانیت در برابر همه مردم معرفی کرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافِهً لِلنَّاسِ يَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ / ۲۸) صاحب تفسیر مجتمع البیان با نقل آراء مفسران پیش از خود تلاش نموده است تا برپایه این آیه پیامبر را نقطه اتصال و اتحاد همه مردم معرفی نماید (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۰ / ۲۶۶)؛ مسئله اصلی شناخت برخورد قرآن کریم با ادیان پیشین است. آیا قرآن کریم به‌دلیل ایجاد وحدت است یا ادیان پیش از خود را مردود دانسته است؟ دستیابی به پاسخ این مسئله به بررسی آثار اندیشمندان مسلمان و کشف مراد خدای متعال در کلام الله مجید نیازمند است. از این‌رو تحقیق حاضر برآن است تا با مطالعه آراء مفسران، دیدگاه قرآن کریم در خصوص آیه ۱۹ سوره آل عمران را گزارش نموده و تحلیل نماید.

واژه «دین» در مفهوم توحیدی

واژه «دین» در زبان عربی مصدر برای فعل «دانَ يَدِينُ» است که به طور کلی به معانی «به دینی در آمدن، خدمت کردن، خوار شدن» استفاده می‌شود. عموماً «دین» اسم است برای تمام آنچه که بدان پرستش خدا شود و به معانی آیین، کیش، ملت، مذهب، سیرت، طریقه، روش، عادت، حال، کار، پرهیزکاری، خداشناسی، حساب، محاسبه، مُلک، حکمرانی، فرمانروایی، سلطنت، زمامداری، فرماندهی، حکومت، کشورداری، قضا، دادرسی، تدبیر، پایان کاری را نگریستن، کارسازی و روز حساب به کار رفته است. جمع آن ادیان است. (خلیل جر، ۱۳۹۱: ذیل واژه) کاربرد این واژه در آیات همواره به صورت مفرد است. این واژه در قرآن کریم به دو معنا استفاده شده است:

۱. واژه «دین» در قرآن کریم با معانی متعددی همچون: جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و خداپرستی به کار رفته است. (طربیحی نجفی، ۱۳۷۵: ۱ / ۷۷)

راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) در معنای نخست، در اصل «دین» به مفهوم جزا، حساب و قانون به کار رفته است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳ / ۴۶) این واژه در آیه ۴ سوره فاتحه الكتاب با همین معنا استفاده شده است: «مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ» چراکه آیه شریفه، خداوند را صاحب و فرمانروای روز جزا معرفی نموده است. (طوسی، بی‌تا: ۱ / ۳۵) همچنین قرآن کریم از قول کفار از قول کفار از روز جزا یاد می‌کند: «وَقَالُوا يَا وَيَّلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ» (صفات / ۲۰) در این آیه نیز «دین» به معنای جزاء است و یکی از اسماء روز قیامت است که هر که را جزاء می‌دهند؛ «النَّاسُ مَجْزُونُ بِاعْمَالِهِمْ أَنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَّأَنْ شَرًا فَشَرٌ» به همین معناست. (طیب، ۱۴۶۹: ۱۵ / ۱۳۲)

۲. اگرچه ریشه و پایه این واژه به معنای جزا به کار رفته است، اما در این آیه به مفهوم اعتقادات است (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۱۸) صاحب تفسیر نمونه با جمع‌بندی نظرات مفسرتن در این خصوص می‌نویسد:

واژه «دین» ... در اصطلاح مذهبی عبارت از مجموعه قواعد و قوانین و آدابی است که انسان در سایه آنها می‌تواند به خدا نزدیک شود و به سعادت دو جهان برسد و از نظر اخلاقی و تربیتی در مسیر صحیح گام بردارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ / ۲ / ۴۷۰)

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره آل عمران دین را به عنوان اسلام معرفی نموده است:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا احْتَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْدًا
يَسِّئُهُمْ وَمَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ (آل عمران / ۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع‌الحساب است.

علامه طباطبائی با توضیحی کامل به شرح واژه دین پرداخته است:

... پس دین همین اطاعتی است که خدا از بندگان خود می‌خواهد، و آن را برای آنان بیان می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۸)

وی پیش از این نیز معنای واژه دین را در تفسیر آیه ۲۵۶ سوره بقره ارائه نموده است:

دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد، و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات» (همان: ۲ / ۵۲۳)

علامه طبرسی در **مجمع البیان** با استناد به متن آیه کریمه به تبیین و تفسیر مصدق واژه دین توحیدی پرداخته است که به روشنی موضوع مورد بحث کمک می‌نماید. ایشان در ادامه تفسیر آیه می‌نویسد: «إِنَّ الدِّينَ؛ هُمَا نَا دِينَ صَحِيفَ وَ اطْاعَتْ «عِنْدَ اللَّهِ» نَزَدَ خَدَا «الْإِسْلَامُ» هُمَا نَا إِسْلَامَ» همان اسلام است». (طبرسی، ۱۴۰۶: ۳/ ۲۶۹)

در این بیان مختصر تسلیم بودن در برابر وحدانیت و عدالت الهی به عنوان مصدق دین معرفی شده است.

۳. در برخی از موارد «دین» معنایی جزیی‌تر به خود گرفته است. مجموعه قواعد مربوط به عقاید، اخلاق، احکام و حقوق بشر - الهی باشد یا ساخته و پرداخته انسان‌ها - دین خوانده می‌شود. فرعون معتقدات و مقررات جامعه بتپرست مصر را «دین» آنها می‌نامد: «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (غافر / ۲۶) همچنین مجموعه مقررات ساخته پادشاه مصر با واژه دین معرفی شده است: «مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ ...» (یوسف / ۷۶) پیامبر اکرم ﷺ نیز مأموریت یافته تا مسیر اعتقادی خود را با مقررات مشرکان جدا کند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ». (کافرون / ۶) قرآن کریم نیز در پاره‌ای از موارد این واژه را به معنای مقررات به کار برده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَهُ وَلَا تَأْخُذُنَّكُمْ بِهِمَا رَأْفَهَ فِي دِينِ اللَّهِ ...» (نور / ۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳/ ۴۳۰) نویسنده تفسیر *تسنیم* با بررسی این واژه در فاتحه الكتاب می‌نویسد:

دین خصوص و انتقیاد در برابر برنامه و مقرراتی معین است و دیگر مفاهیم ذکر شده برای آن، مانند جزا، از لوازم این معناست. (همان: ۱ / ۳۸۳)

مفهوم «اسلام» در مصدق آیه نوزدهم آل عمران

۱. مفسران شیعه و اهل سنت از یک نگاه، معنای واژه «اسلام» را با مصدق اخص آیین پیامبر خاتم ﷺ تطبیق داده‌اند. صاحب تفسیر *اطیب البیان* احتمال می‌دهد که این واژه در معنای شریعت مقدسه محمدیه ﷺ باشد چنانچه در آیه شریفه می‌فرماید: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (ماتده / ۳؛ طیب، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۴۳) نویسنده تفسیر *حسن الحدیث* واژه اسلام را نامی برای آیین محمدی ﷺ دانسته است؛ اگرچه سایر مفاهیم را نیز محتمل می‌داند. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ / ۲: ۳۹) اسلام در اصطلاح بر شریعت پیامبر خاتم ﷺ اطلاق شده است. (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۱۱: ۱ / ۲۴۸) به عبارت دیگر مناسبت میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی اسلام این است که دین اسلام سراسر طاعت و تسلیم در برابر خداوند و پذیرش و انقیاد اوامر اوست.

۲. مفسران «اسلام» در این آیه را به طور اجتماعی به مفهوم عام لغت به معنای در بر دارنده تمامی ادیان توحیدی در نظر گرفته‌اند. در این معنا، تسلیم در برابر وحدانیت و عدالت رب‌انی اراده شده است. همه انبیا و رسولان با هدف تبلیغ اسلام برانگیخته شده‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۱۸) صاحب تفسیر *مجمع البيان* می‌نویسد: «بعضی گفته‌اند مراد از اسلام، تسلیم بودن در برابر خدا و اولیاء خدا است که خدا و پیغمبرانش را قبول داشته باشد ...». (طبرسی، همان)

سیوطی در تفسیر *جلالین* اسلام را به عنوان دینی که به واسطه رسولان الهی مبتنی بر اصل توحید است، معرفی نموده است: «الإِسْلَامُ؛ أي الشَّرِيعَةُ الْمَبْعُوثَ بِهِ الرَّسُولُ الْمَبْنُى عَلَيْ التَّوْحِيدِ» (سیوطی، ۱۴۲۷ / ۵۵) وی با استفاده از واژه «رُسُلٌ»، این بخش از آیه را از مصدق دین پیامبر خاتم صلوات الله عليه و آله و سلم خارج نموده است؛ در غیر این صورت از واژه «رسول» استفاده می‌نمود. مفسر دیگری که همین‌گونه به تفسیر آیه اشاره نموده است، صاحب *طیب البيان فی تفسیر القرآن* است. وی می‌نویسد:

... ممکن است مراد از اسلام به معنای جامعی که تمام انبیاء بر آن مبعوث شدند از اصول عقائد و اخلاق و فروع مثل نماز و زکات و روزه و نحو اینها که قابل نسخ نیست و ممکن است مراد تسلیم نسبت به اوامر الهی باشد (طیب، ۱۳۶۹ / ۳)

بسیاری از مفسران همین رأی را اختیار نموده‌اند. محمد علی طه دره نیز می‌نویسد:

و الإِسْلَامُ و هو الشَّرِيعَةُ الْمَرْضِيَّةُ عَنْ دَلْلَهِ وَ الْمَبْعُوثُ بِهِ الرَّسُولُ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَيْ عَهْدِ نَبِيِّنَا، عَلَيْهِمْ جَمِيعًا أَلْفَ صَلَاهٍ وَ أَلْفَ سَلَامٍ، وَ هُوَ الْمَبْنُى عَلَيْ التَّوْحِيدِ، وَ هُوَ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي لَا اعوجاجَ فِيهِ وَ لَا انْحرافٌ (دره، ۱۴۳۰ / ۲)

تفسیر *جامع البيان* در شرح واژه اسلام چنین نوشته است:

إِنَّ الطَّاعَةَ الَّتِي هِيَ الطَّاعَةُ عِنْدَهُ الطَّاعَةِ لَهُ وَ إِقْرَارُ الْأَلْسُنِ وَ الْقُلُوبُ لَهُ بِالْعَبُودِيَّةِ وَ الذَّلِّ وَ انتِقَادِهَا لَهُ بِالْطَّاعَةِ فِيمَا أَمْرَ وَ نَهَى وَ تَذَلَّلُهَا لَهُ بِذَلِكِ مِنْ غَيْرِ اسْتِكْبَارِ عَلَيْهِ وَ لَا انْحرافَ عَنْهِ دُونِ إِشْرَاكٍ غَيْرِهِ مِنْ خَلْقَهُ مَعَهُ فِي الْعَبُودِيَّةِ وَ الْأَلْوَهِيَّةِ وَ بِنَحْوِ مَا قَلَّنَا فِي ذَلِكَ قَالَ جَمَاعَهُ مِنْ أَهْلِ التَّأْوِيلِ. (طبری، ۱۴۱۲ / ۳)

نویسنده تفسیر *حسن الحديث* نیز به وضوح به مفهوم اسلام در آیه نوزدهم پرداخته است:

مراد از اسلام در اینجا انقیاد و مطیع شدن به خداست، فرق اصطلاحی اسلام و ایمان و یا تسلیم شدن ظاهری در اینجا مطرح نیست، این نام گرچه مخصوص

شريعت حضرت رسول ﷺ است ولی دین همه پیامبران اسلام بوده و جز انقیاد به خدا چیزی از مردم نخواسته‌اند (قرشی بنای، ۱۳۷ / ۲ : ۳۹)

همچنین سایر مفسران شیعه با بررسی دیگر آیات کریمه کلام‌الله مجید به بحث پیرامون واژه اسلام پرداخته و دیدگاه اجتماعی را تأیید نموده‌اند. (رازی، ۱۴۰۸ / ۴ : ۲۳۶؛ مغنية، ۱۴۲۴ / ۲ : ۲۷)

شرح واژه «اسلام» در کلام ائمه علیّ نیز معنکس شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در تعریف لغت «اسلام» فرموده است:

لَا يَسْبِئُنَ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسِبُهَا أَحَدٌ قَبْلِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصْدِيقُ وَ التَّصْدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ. (تَهْجِيجُ البَلَاغَةِ / ۱۲۵، مغنية، ۱۴۲۴ / ۲ : ۲۷)

اسلام را چنان وصف کنم که کس پیش از من نکرده است. اسلام گردن نهادن است و گردن نهادن یقین داشتن و یقین داشتن راست انگاشتن و راست انگاشتن بر خود لازم ساختن و بر خود لازم ساختن انجام دادن و انجام دادن به کار نیک پرداختن.

وحدت ادیان از دیدگاه قرآن

با نگاهی به مفهوم اسلام در آیه ۱۹ آل عمران در می‌یابیم که ریشه اعتقادی تمام ادیان توحیدی یکسان است و در محتوای آنها تناقض یا تضادی وجود ندارد؛ به عبارت روش‌تر آنچه که قرآن کریم از آن به عنوان دین یاد کرده است، جز تسلیم در برابر وحدانیت و عدالت الهی چیز دیگری نیست. همین امر به وحدت ادیان توحیدی کمک کرده است. آنچه که به عنوان اختلاف در ادیان توحیدی مشاهده می‌شود، محصول عملکرد تحریفی معاندان و مخالفان است (بنی‌حسین، ۱۳۷۲ / ۱۸۶) عالمه طباطبائی در تفسیر آیه نوزدهم به خوبی به این موضوع پرداخته است:

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده مگر در باره همان دین و هیچ آیت و معجزه‌ای به پا نکرده مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام؛ یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده‌های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن؛ به عبارتی دیگر: آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوی در مورد عقائد و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می‌شود. این بیان هرچند به طوری که در قرآن حکایت شده در شرایع رسولان

و انبیای او از نظر مقدار و کیفیت مختلف است، اما در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست، اختلافی که در شریعتها هست از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد، و معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش، و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگانش می‌خواهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۹)

با نزول قرآن کریم وحدت ادیان توحیدی وارد مرحله جدیدی شده است. اسلام بارها وظیفه تبیین و تبلیغ وحدانیت معبود را به همه انبیای الهی نسبت داده است. از دیدگاه قرآن مأموریت و هدف رسالت همه رسولان الهی ایجاد وحدت در پرستش و عبودیت پروردگار است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ

قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونَ». (انبیاء / ۲۵)

یک صریح و روشن آیه نشانگر موضع قرآن کریم در برقراری اتحاد اعتقادی و رفع اختلاف میان پیروان ادیان توحیدی است. آنچه که از ترکیب واژگان آیه کریمه مشخص است که هدف وحدت توحیدی به صورت مستمر برای همه انبیاء و رسولان الهی در جریان بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۳۸۶) از این جهت قرآن کریم، همه ادیان ادیان را در وجهی مشترک قرار داده است؛ چراکه همه انبیاء مأموریت داشته‌اند تا مردم را به تسلیم در برابر حقانیت پروردگار دعوت نمایند. بنابراین اسلام عنوان وحدت تمامی ادیان توحیدی است و منحصر به یک آیین نمی‌باشد. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲ / ۲۷)

قرآن کریم با تأیید ادیان آسمانی پیش از اسلام به اهل کتاب یادآوری می‌کند که رسول خدا ﷺ برای تکمیل جریان بشارت و نذارت، مبعوث شده است و نه تنها ادیان پیش از خود را تخطیه ننموده، که آنها را تکمیل و تأیید نیز کرده است. پیش از این دو کتاب مقدس تورات و انجیل بر بعثت نبی مکرم و نزول قرآن کریم بشارت داده بودند؛ اگرچه اهل کتاب آن را انکار یا کتمان می‌کردند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُحْسِنُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْلَمُونَ عَنْ كَثِيرٍ
قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ بُوْرُ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. (مائده / ۱۵)

صاحب تفسیر *احسن الحدیث* با استناد به آیه دیگری می‌نویسد: «آنچه مخفی می‌کردند عبارت بود از بشارات عهدهای درباره رسول خدا چنان که فرموده: «يَعْلَمُونَ مَكْتُوبًا عِنْهُمْ فِي التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِيلِ» (اعراف / ۱۵۷) و نیز بعضی از احکام که به نفعشان نبود، مثل: سنگسار کردن زناکاران که در آیه ۴۱ خواهد آمد، خلاصه آنکه آنان با آیات تورات هر طور که می‌خواستند بازی می‌کردند ...» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۱) خدای متعال همچنین با صراحة بیشتری به تأکید قرآن بر همبستگی

ادیان و تأیید کتاب‌های آسمانی قبل پرداخته است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ...». (مائده / ۴۸)

تنوع شریعت

بنابر آنچه ارائه شد، ادیان مفهوم و مصداقی واحد دارند؛ چراکه ریشه و اساس آن یکی است. برخی تغییرات که در ادیان مختلف نسبت به یکدیگر مشاهده می‌شود، ناشی از تنوع شریعت در دوره‌های مختلف است. در غیر این صورت چنانچه خدای متعال اراده می‌فرمود همگان را به پیروزی از یک منهج سفارش می‌نمود: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكُنْ لِيَلُوكُمْ فِي مَا آتَكُمْ فَاسْتَيْقُوا الْخَيْرَاتِ...» (مائده / ۴۸) امین‌الاسلام طبرسی در شرح آیه می‌نویسد:

اگر خداوند خواسته بود، آیین و شریعت همه انبیا را یکی می‌کرد و شما را تابع یک شریعت قرار می‌داد؛ شریعتی که هرگز نسخ نشود. این معنا از ابن عباس است. حسن و قتاده گویند: مقصود این است که اگر خواسته بود شما را بر آیین حق، جمع می‌کرد. ... اما شما را تابع شریعت‌های مختلف قرار داد تا شما را در آنچه واجب ساخته و شریعت قرار داده، بیازماید. (طبرسی، ۱۴۰۶ : ۷ / ۶۳)

خدای متعال در پیش از این اشاره فرموده است که برای امت‌های مختلف، شرایع مختلف قرار داده است: «إِلَكْلٌ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده / ۴۸) شریعت عبارت است از طریقه‌ای خاص، یعنی طریقه‌ای که برای امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین و آماده شده باشد، مانند شریعت نوح، شریعت ابراهیم، شریعت موسی، شریعت عیسی و شریعت محمد ﷺ اما دین عبارت است از سنت و طریقه الهیه حال خاص به هر پیامبری و یا هر قومی که می‌خواهد باشد، پس کلمه دین معنایی عمومی‌تر از کلمه شریعت دارد، به همین جهت است که شریعت نسخ می‌پذیرد، ولی دین به معنای عمومی‌اش قابل نسخ نیست (ر. ک: طباطبائی، ۵ / ۱۳۷۴) صاحب تفسیر *المیزان* با همین استدلال به بررسی تفاوت‌های میان دین و شریعت می‌پردازد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

البته در این میان فرق دیگری نیز بین شریعت و دین هست و آن این است که کلمه دین را می‌توان هم به یک نفر نسبت داد و هم به جماعت، حال هر فردی و هر جماعتی که می‌خواهد باشد ولی کلمه «شریعت» را نمی‌شود به یک نفر نسبت داد و مثلاً گفت فلانی فلان شریعت را دارد، مگر آنکه یک نفر آورنده آن شریعت و

یا قائم به امر آن باشد ... بنابراین اگر شریعت‌های خاصه را به دین نسبت می‌دهیم و می‌گوییم همه این شریعت‌ها دین خدا است، با اینکه دین یکی است ولی شریعت‌ها یکدیگر را نسخ می‌کنند، نظیر نسبت دادن احکام جزئی در اسلام، به اصل دین است، با اینکه این احکام بعضی ناسخ و بعضی منسوخ‌اند با این حال می‌گوییم فلان حکم از احکام دین اسلام بوده و نسخ شده و یا فلان حکم از احکام دین اسلام است، بنابراین باید گفت: خدای سبحان بندگان خود را جز به یک دین متعبد نکرده و آن یک دین عبارت است از تسلیم او شدن (همان: ۵۷۵)

۱. منشأ اختلاف ادیان

منشأ اختلاف در دین، گاهی این است که دین را از کجا باید گرفت. همین موضوع نخست اختلاف میان توحید و الحاد را رقم زده است. در این مرحله پاسخ موحد آن است که دین را باید از خدا گرفت و پاسخ ملحد آن است که اندیشه بشری دین را می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۳۵ / ۱۳) آنچه که به عنوان اختلاف مطرح است از دو جنبه قابل بررسی و نقده می‌باشد:

یک) اختلاف ادیان توحیدی با نحله‌های الحادی

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره آل عمران با تأکید بر ریشه وحدانی اسلام، ادیان توحیدی را از نحله‌های الحادی مجزا نموده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ إِلَيْسَ لِلنَّاسِ» (آل عمران / ۱۹) بنابراین تفاوت میان موحد و ملحد در ریشه پرستش است؛ موحد خداوند یکتا را می‌پرستد و ملحد منکر خداوند و ادیان توحیدی است.

(دو) اختلاف مسلمان و اهل کتاب

یهودیان متعصب که تنها فرزندان یعقوب را اهل نجات می‌دانند و همچنین نصرانیت گرفتار در تقلیل که عیسی را فرزند خدا می‌خواند و به حلول معتقد است، هر دو با دین پیامبر خاتم ﷺ در اختلاف هستند. دانشمندان یهود و نصاراً حقیقت دین کامل را می‌دانند و بر حقانیت پیامبر ﷺ وقوف دارند، اما از ابتدا دچار انکار و کفر شدند. قرآن کریم آنان را علمای بُغی نامیده، از کفرشان سخن گفته و به آنان وعده عذاب داده است: «وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْثَوُا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَانًا بِيَنَّهُمْ وَمَنْ يَكُُرُّ يَآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران / ۱۹) در مقابل پیروان ابراهیم خلیل ﷺ نه از یهودیانند و نه از مسیحیان؛ بلکه قرآن کریم آنان را مسلمان حنیف و یکتاپرست نامیده است. یهودیت و مسیحیت هرگز از شرک مصون نمانده؛ اما ابراهیم خلیل ﷺ هیچ گاه مشرک نبوده است. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷ / ۱۳: ۴۳۷) قرآن کریم اختلاف علمای اهل کتاب پس از دریافت علم را

نکوهش نموده است. اختلاف پیش از علم، بسیار پسندیده و راهی برای تکامل و سبب بارور شدن علم است. صاحب *تفسیر المیزان* با تمثیلی زیبا، اختلاف پیش از علم را به اختلاف دو کفه ترازو تشییه نموده است که پس از تعادل و توازن، به ثبات رسیده و از اختلاف باز می‌مانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۱۱) آنچه علمای اهل کتاب را در موضع ضعف قرار داده این است که پس از دریافت شواهد و نشانه‌های نبوت پیامبر ﷺ دچار اختلاف و تشتبه شدند.

۲. اعتبار ادیان

قرآن کریم تفاوت ادیان را با اعتبار اعتقادی آنها سنجیده است. برخی از ادیان مردود اعلام شده‌اند؛ برخی نیز مقبول هستند، اما با گذشت زمان تبدیل یا تحریف شده‌اند و اکنون پذیرفتی نیستند. در نهایت نظریه منتخب قرآن کریم در خصوص دین ثابت هم خواندنی است.

(الف) دین حق

قرآن کریم «دین» را به حق و باطل تقسیم می‌کند، چنانچه منشاً وضع دین، شایسته روییت باشد، قوانین او که دین را تشکیل می‌دهد، حق است. برپایه جهان‌بینی الهی، همه هستی - از جمله انسان - تکویناً در برابر آفریدگار خود خاضع و متواضع‌اند و قوانین خود را از او می‌گیرند: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (آل عمران / ۸۳) اما انسان افزون بر تکوین، از نظر تشریع نیز باید فرمان بردار حق باشد، چراکه آن دو باید با یکدیگر هماهنگ باشند و تنها مبدأ شایسته برای تکوین و تشریع و هماهنگ کننده آن دو، خدای سبحان است. بنابراین «دین حق» همان «دین خدا» است که به واسطه انبیا و رسولان ابلاغ می‌شود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْرِّبِّينَ كُلِّهِ...» (توبه / ۳۳) جز حق هرچه فرض شود، باطل است: «فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ...» (یونس / ۳۲) به همین دلیل جز اسلام، دینی از کسی پذیرفته نمی‌شود: «وَمَنْ يَتَّغَّبْ عَيْرَ الْإِسْلَامَ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ۸۵) خواه آن دین به طور کلی باطل باشد، مانند: بتپرستی؛ یا باطل نسبی باشد، مانند: دین اهل کتاب که پس از ظهور حضرت خاتم ﷺ در حکم باطل مطلق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۴۳۲)

(ب) ادیان باطل

با بررسی دین حق، آنچه پس از آن می‌ماند در حکم دین باطل است. در این صورت هدایت فقط

در پیروی از دین حق است: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا...» (بقره / ۱۳۷) قرآن کریم در خصوص پیروان سایر ادیان می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحِرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدِهِمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹) در منطق قرآن کریم حق، نور و تجزیه‌ناشدنی است و در صورت تبعیض، رد سخن خداوند و ارتداد است. بر همین پایه ادیان الحادی که زاییده اندیشه بشری است، باطل‌اند:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اللَّهِ قُلْ هَأْتُمْ بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَّنْ مَعَيْ وَذِكْرٌ مَّنْ قَبْلَيْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرَضُونَ
(نبیاء / ۲۴)

ج) دین ثابت

قرآن کریم از سویی می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) از سوی دیگر آنچه را عنداللهی است، ثابت و پایدار می‌داند: «مَا عِنْدَكُمْ يَقْدُرُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقِ» (تحل / ۹۶) بنابراین اسلام دین ثابتی است که نه تخلف‌پذیر است و نه اختلاف‌پذیر؛ انبیا همگی برپایه خطوط کلی آن حرکت می‌کرده‌اند؛ اما همان‌گونه که درجات آنان یکسان نیست: «تُلْكَ الرَّسُولُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَيْ بَعْضٍ» (بقره / ۲۵۳) درجات ارائه‌شان نیز یکسان نخواهد بود، برخی دین کامل آورده‌اند و برخی دین کامل‌تر. (همان) از این‌رو دین اتم و کامل و خداپسند آن است که از ذات اقدس خداوندی بر پیامبر خاتم ﷺ نازل شد و با بیان امامت و ولایت اهل بیت ﷺ به حد نصاب خود رسید و بر جهانیان عرضه شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيَّاً»، (مائده / ۳)

محورهای وحدت ادیان توحیدی

نظام تربیتی قرآن کریم در مواجهه و مقابله با تفرقه و تشتبه میان پیروان ادیان توحیدی در سه قالب مشخص ارائه شده است، به شکلی که برای همه موحدان قابل فهم و درک باشد. بر همین پایه آموزه‌های کلام‌الله مجید از ورود به جزئیات اختلافی پرهیز نموده، به کلیات تقریبی و اتحادی پرداخته است. شیوه تربیتی قرآن کریم در پُر رنگ جلوه دادن محورهای اتحاد و همبستگی ادیان به تعامل بیشتر آنها کمک کرده است. در ادامه به بررسی این سه محور پرداخته می‌شود:

۱. تأکید بر وحدانیت پروردگار

چنان که پیش از این اشاره شد قرآن کریم، پیوسته بر وحدانیت پروردگار تأکید نموده است. دین حق

را یکی دانسته و از اختلاف نهی می‌کند: «إِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّهٌ وَاحِدَهُ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء / ۹۲) آیه کریمه به روشنی به وحدت دین برپایه وحدانیت رب‌انی اشاره نموده است. «این دین شما یکی است. اصل امت، جماعتی است که در مسیر واحدی باشد. از این‌رو شریعت و دین را «امت واحده» خوانده است؛ زیرا پیروان یک دین، یک هدف دارند. برخی گویند: یعنی این پیامبران از خود شما مایند. شما باید به آنها اقتدا کنید که آنها اجتماع بر حق دارند. من خالق شما می‌باشم. مرای بیکتابی بپرستید» (طبرسی، ۴۰۶ / ۱۶؛ ۱۶۱ / ۱۶) بنابر گزارش قرآن کریم، اهل کتاب دچار افترق و تفرقه‌افکنی شدند: «وَتَقْطَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ» (انبیاء / ۹۳) آیه نشان‌دهنده حقیقت رفتار منافقانه اهل کتاب است. آنان با کفروزی در دین ایجاد تفرقه کرده و آن را تجزیه و پاره پاره نمودند؛ در حالی که خداوند به وحدت توحیدی و امت واحده امر کرده بود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ / ۳: ۳۵۵؛ رازی، ۱۴۰۸ / ۳: ۳۵۵) از این‌رو خداوند پیروان حضرت موسی و عیسیَ ﷺ را به همین دلیل موجب مؤاخذه و توبیخ قرار داده است: «وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيَلَةً ثُمَّ اتَّخَذْنُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره / ۵۱) آنان با انواع شرک، دوگانه‌پرستی و تقلیل به وحدت ادیان آسمانی پشت کرده و تفرقه را زمینه‌سازی نمودند.

قرآن کریم در فرآیند تربیتی خود موضوع تفرقه‌افکنی و اتحادگریزی را با استدلالی کامل گزارش کرده و در نهایت، نتیجه را اعلام فرموده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ يَا فُوَاهُمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِ قَاتَلُهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ * اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانُهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه / ۳۰ و ۳۱) ده‌ها آیه کریمه از کلام‌الله مجید به انعکاس تفرقه یهودیان و مسیحیان اختصاص یافته است تا از انحراف تاریخی آنان پرده برداشته، زمینه‌های اتفاق نظر میان ادیان را فراهم نماید. خدای متعال با اشاره به عبارت «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانُهُ» زشتی کار کافران اهل کتاب را به آنان یادآوری نموده و خود را پاک و منزه معرفی می‌کند. خداوند با این عبارت از کسانی که دچار انحراف در دین شده‌اند، اعلام برائت نموده است. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۰۷)

اهل کتاب به جای پیروی از وحدانیت پروردگار و اطاعت از اوامر و نواهی دین به تحریف کتاب‌های آسمانی پرداخته و دین را برابر هوی و هوس‌های خود تغییر دادند. آنان دچار توهمندی دین‌داری بودند؛ از همین جهت آموزه‌های کتاب‌های مقدس را قابل تحمل نمی‌دیدند: «وَمِنْهُمْ أُمَّيُّونَ

لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٌّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظْنُونَ» (بقره / ۷۸) مخالفت قرآن کریم با انحرافات اعتقادی اهل کتاب تا جایی گسترش یافته که آنها را کافر می‌نامد: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ...» (مائده / ۱۷) قرآن کریم منحرفان اهل کتاب را بیرون از چارچوب دینداری و تسلیم در برابر فرمان الهی می‌داند: «فَإِنْ حَاجُوكَ فَقْلُ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنْ اتَّبَعَنِي وَقَلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأَمَمِينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدْ اهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلُّوْ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران / ۲۰) در این آیه مسیر مشترکی میان پیامبر خاتم ﷺ و اهل کتاب ترسیم شده است که در صورت تحقق به مقصد هدایت‌پذیری می‌رسد. پشتوانه استدلال در آیه مذکور، همان منطق آیه پیشین است که دین را به معنای تسلیم در برابر وحدانیت حق تعالی و فرمان‌برداری از او دانسته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۷ / ۱۶۸) به عبارت دیگر اسلام به معنای عام اخلاق و پرهیز از شرک در برابر پروردگار است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۰) بدین ترتیب قرآن کریم با عمومیت بخشیدن به واژه اسلام و تلقی مفهوم عمومی وحدانیت به آن، نخستین محور همبستگی پیروان ادیان آسمانی را تبیین نموده است.

آیه ۱۹ سوره آل عمران اختلاف در پرستش پروردگار توسط اهل کتاب را از عدم آگاهی آنان نمی‌داند، بلکه اختلاف‌های ایجاد شده را به دلیل سرکشی، طغیان، ظلم و ستم آنها اعلام نموده است: «... وَمَا احْتَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَانًا بَيْنَهُمْ» علامه طباطبائی در خصوص منشأ تفرقه آفرینی و اختلاف‌انگیزی اهل کتاب چنین می‌نویسد:

اما اختلافی که اهل کتاب از یهود و نصارا در دین کردند، با اینکه کتاب الهی بر آنان نازل شده، و خدای تعالی اسلام را برایشان بیان کرده بود، اختلاف ناشی از جهل نبود و چنان نبود که حقیقت امر برایشان مجھول بوده باشد و ندانسته باشند که دین خدا یکی است؛ بلکه این معنا را به خوبی می‌دانستند و تنها انگیزه آنان در این اختلاف، حس غرور و ستمگریشان بود و هیچ عذری ندارند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۹)

الف) مواجهه قرآن با یهودیان در تحریف توحیدی

عملکرد یهودیان در تحریف دین و وحدانیت خداوند مردود است. بنی اسرائیل در حیات موسی ﷺ مسیر انحراف را پیش گرفته و آیین توحیدی موسی ﷺ را رها نمودند. قرآن کریم بارها به توصیف و تبیین انحراف‌های بنی اسرائیل پرداخته است. به عنوان نمونه می‌توان به آیات ۱۴۴ الی ۱۵۵ سوره اعراف مراجعه نمود. بنی اسرائیل با هدف تشکیک و تحریف دین از آن رویگردان شده و دچار اختلاف

گردیدند. آنان در وحدانیت پروردگار افساد و ابطال نموده، دچار کبر، غرور و خودبتر بینی شدند. خداوند نیز اعمالشان را نایبود کرد: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَلَّأَ الْأُخْرَةَ حَبْطَتْ أَعْمَالُهُمْ هُلْ يُجزَونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف / ۱۴۷) و این به جهت افساد ایشان بود. (طوسی، بی‌تا: ۴ / ۵۴۳) یهودیان در دوره‌های بعد نیز به تحریف دین پرداخته و موجب بروز اختلاف میان بنی اسرائیل شدند. (آل عمران / ۷۸ / ۷) آنان نبوت و رسالت موسی^{علیه السلام} را نیز تکذیب نمودند. (انعام / ۹۱) افزون بر این یهودیان به صورت علنی وحدانیت پروردگار را انکار نمودند (توبه / ۳۰) قرآن کریم در آیات متعددی به رد عملکرد یهودیان پرداخته و آنان را تخطیه می‌نماید. (بقره / ۷۹) خداوند شدت مجازات اهل کتاب را بیان فرموده و به آنان وعده عذاب داده است؛ چراکه محتوای تورات و انجیل را تحریف نمودند و مقررات پرداخته خود را به خداوند نسبت دادند. آنان محتوای کتب مقدس را به بهای اندک فروختند.

(فیض کاشانی، ۱۴۲۵ / ۱: ۱۴۸)

ب) رد ادعای تحریفی مسیحیان در قرآن

قرآن کریم با قطعیت ادعای دروغ و فسادانگیز مسیحیان را نیز مردود دانسته و آنان را تخطیه و تکفیر می‌نماید. (مائده / ۱۷) مسیحیان با ادعای جاهلانه خود، مبانی توحیدی را به انحراف کشیده و تثلیث را طرح نمودند. خدای متعال در آیات قرآن کریم به شدت با اندیشه‌های جاهلانه آنان مقابله نموده است: «لَقَدْ كَفَرَ الظَّالِمُونَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٌ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَتَّهِّمُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسِّنَ الظَّالِمُونَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده / ۷۳) بر همین پایه خداوند گفتار و عمل ناپسند نصرانیان را مردود اعلام نموده و بر وحدانیت تأکید فرموده است. قرآن کریم به آنان وعده داده است که اگر دست از کفر و شرک برندارند، عذابی دردنگ در انتظارشان خواهد بود. (رازی، ۱۴۰۸ / ۷: ۹۸) از نگاه قرآن کریم بزرگان مسیحیت در انحراف افکار اعتقادی عموم مردم مؤثر بوده، اندیشه‌های الحادی آنان موجبات تحریف دین را فراهم نمود. (توبه / ۳۱) آنان الوهیت و وحدانیت خداوند را به سخره گرفته‌اند و اعتقادات مسیحیان را با افکار غلط در هم آمیخته‌اند. قرآن کریم به مسیحیان دستور می‌دهد که حد و اندازه خود را نگه داشته و در مبانی دینی رسوخ نکنند تا زمینه انحراف‌های فکری و اجتماعی فراهم نشود. (نساء / ۱۷۱)

ج) مقابله قرآن با سایر اندیشه‌های شرک‌آلود

شرک و دوگانه‌پرستی از پیروان دیگر ادیان نیز با مقابله قرآن کریم مواجه شده است. کسانی که در وحدانیت خداوند متعال تشکیک نموده و در پرستش دچار انحراف شده‌اند مورد مذمت و نکوهش

قرآن کریم قرار گرفته‌اند. (نحل / ۵۱) خداوند بر وحدت توحیدی تأکید فرموده و به مشرکان اجازه نمی‌دهد خدایان متعددی را پرستش نمایند. مفسران فرقین، وحدت در پرستش را مقدمه ایمان و از لوازم سعادت ذکر نموده‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸ / ۳: ۲۲۹؛ کاشانی، بی‌تا: ۵ / ۱۹۶) از این‌رو خداوند برای هدایت و تربیت توحیدی همه اقوام و ملل رسولانی را مبعوث نموده است که در اصل کلمه توحید با یکدیگر اشتراک دارند. (انبیاء / ۲۵) بنابراین در قرآن کریم تسلیم در برابر وحدانیت پروردگار به عنوان برترین روش پرستش و کامل‌ترین سیره اعتقادی ذکر شده است. (آل عمران / ۸۵؛ نساء / ۱۲۵)

۲. تأکید بر وحدت رسالت رسولان

دومین محوری که قرآن کریم برای وحدت و همبستگی همه موحدان عالم بیان کرده است، یکی بودن اساس و هدف رسالت انبیاء و رسولان الهی است. ایمان به انبیاء و رسالت رسولان الهی از ضروریاتی است که خدای متعال به آن تذکر داده است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيقَاتَ النَّبِيِّينَ لَمَّا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةً ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتَؤْمِنُنَّ يَهُ وَتَتَصْرُنَّهُ قَالَ أَفَرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَفَرَرْنَا قَالَ فَأَشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران / ۸۱) دستور قرآن کریم در مجادله احسن با اهل کتاب و تبیین نقاط اشتراک وحیانی، بر همین پایه استوار است. شیوه تربیت اجتماعی قرآن این است که پیامبر خاتم و پیروان آن حضرت ﷺ با تأیید رسولان پیشین و آموزه‌های وحیانی مقدس، وحدت و همبستگی اجتماعی را با اهل کتاب به وجود آورند:

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزَلَ إِلَيْنَا وَأُنزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَحْنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ. (عنکبوت / ۴۶)

در این آیه کریمه و برخی دیگر از آیات با تأکید بر شیوه «جدال احسن» از اراده خداوند برای همسو نمودن اهل کتاب با دین پیامبر خاتم ﷺ پرده بر می‌دارد. آیه نشان می‌دهد که هدف تربیتی قرآن کریم از بین بردن اختلاف‌ها و افزایش اشتراک‌ها میان دین خاتم و سایر ادیان است. اشاره مجدد به این نکته ضروری است که ادیان توحیدی بدون اختلاف نازل شده‌اند. اختلاف‌های ایجادشده به جهت تغییرها و تحریف‌های ظالمانه و خودخواهانه اهل کتاب است. (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۱۸؛ طبری، ۱۴۱۲ / ۳: ۱۴۱) اکنون با این توضیح مشخص است که اراده پروردگار بر احیاء محتوا و هدف مشترک انبیاء و رسولان تعلق گرفته است. بنابراین قرآن به روش تربیتی جدال احسن دستور داده است.

مقصود از جدال احسن در تفسیر *المیزان* به خوبی تشریح شده است:

مجادله وقتی نیکو بهشمار می‌رود، که با درشت‌خوبی و طعنه و اهانت همراه نباشد، پس یکی از خوبی‌های مجادله این است که: با ترمی و سازش همراه باشد و خصم را متاذی نکند که در این صورت مجادله دارای حسن و نیکی است، یکی دیگر اینکه شخص مجادله‌کننده از نظر فکر با طرفش نزدیک باشد، به این معنا که هر دو علاقه مند به روشن شدن حق باشند. درنتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند. لجاجت و عناد به خرج ندهند؛ پس وقتی این شرط با شرط اول جمع شد حسن و نیکویی مجادله دو برابر می‌شود؛ آن وقت است که می‌توان گفت این مجادله بهترین مجادله‌ها است و به همین جهت وقتی مؤمنان را نهی می‌کند از مجادله با اهل کتاب، مگر آن مجادله که احسن و بهترین طرق مجادله باشد.

(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۲۰۵)

وحدت ادیان توحیدی در قالب ایجاد وحدت رسالت رسولان و نبوت انبیاء نقش قابل توجهی در شکل‌گیری منطق تربیتی قرآن کریم دارد؛ به گونه‌ای که در آیات متعددی قابل روئیت می‌باشد. خداوند با برشمودن اسامی برخی از پیامبران پیشین و نقل اهداف رسالت ایشان، به هم‌گرایی جامعه دینی دستور داده است. در این منطق استوار قرآن کریم، مأموریت تمامی انبیاء و رسولان به شکلی واحد و یکسان معرفی شده است: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْيُّوهُ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْيَاهُ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَآلَّا سَبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُوُسُفَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا * وَرُسُلًا قَدْ قَصَّنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلٍ وَرُسُلًا لَمْ تَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكْلِيمًا * رُسُلًا مُّشَيَّرِينَ وَمُنْذَرِينَ لِتَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيِ اللَّهِ حُجَّهٌ بَعْدَ الرَّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء / ۱۶۵ - ۱۶۳) خدای متعال با گسترش اشتراک‌های میان ادیان آسمانی به پیروان انبیاء یادآوری می‌کند که وحی میان تمامی رسولان مشترک است و آنان دارای هدف واحدی در رسالت خود هستند. قرار دادن نام انبیاء در کنار یکدیگر و معرفی ارتباط وحیانی در ادعای نبوت و رسالت از همبستگی ادیان حکایت دارد. (ر. ک: طیب، ۱۳۶۹: ۴ / ۲۷۱)

اکنون بار دیگر به بررسی آیه ۱۹ آل عمران باز گردیم. خداوند ریشه و منشأ تمامی ادیان نزد خود را اسلام می‌نامد تا مخاطبان تصور نکنند که میان آنها تفاوت یا اختلافی هست. قرآن کریم با تبیین موضوع وحدت ادیان و ایجاد همبستگی در روابط وحیانی رسولان، جامعه را به هدفی متعالی راهبری می‌کند. با تبیین قرآنی به خوبی روشن است که با وجود اشتراک‌ها میان انبیاء، بروز اختلاف‌های دینی، فرقه‌ای و اجتماعی میان پیروان آنان پذیرفتگی نیست. گفتمان وحدت‌آفرین قرآن در تقریب

ادیان، مسیر هرگونه تفرقه و تنش را مسدود کرده است. شیوه تربیتی قرآن کریم در این خصوص نشان می‌دهد که حجت بر همه اهل کتاب تمام شده است؛ چراکه میان منشأ، روش و هدف رسولان اختلافی نیست. حال اگر در میان پیروان ادیان اختلافی رخ دهد به دلیل لجاجت، خودخواهی و ستمگری است. پیش‌تر اشاره شد که این مفهوم در ادامه آیه نوزدهم تشریح شده است.

۳. تأکید بر وحدت نظام عدل الهی و قیامت

سومین محور وحدت ادیان آسمانی در موضوع عدالت الهی است که عموماً با مباحث مربوط به قیامت در هم آمیخته است. از دیدگاه قرآن کریم این موضوع از اصول اعتقادی دین است و پیروان راستین اسلام به آن باور دارند. از این‌رو عدل الهی به عنوان اصلی اساسی مطرح شده است: «شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمُلْكُ لَهُ وَأَوْلُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸)

رعایت حقوق موجودات عدل است و تجاوز به آن ظلم نام دارد. (صبحای یزدی، ۱۳۷۰ / ۲: ۱۹۲) اگر فرض کنیم خداوند سبحان مرتكب ظلم می‌گردد، با سه احتمال روبه رو خواهیم بود: ۱. یا این عمل ناشی از جهل است که این با علم مطلق الهی ناسازگار است؛ ۲. یا این عمل از نیاز و فقر سرچشمه می‌گیرد و در بحث غنی بودن خداوند ثابت شده که خداوند غنی مطلق است و ۳. یا اینکه ظلم مقتضای ظلم است. با اینکه در بحث حسن و قبح عقلی ثابت شد که خداوند فعل زشت و قبح انجام نمی‌دهد و تمام افعال خداوند عادلانه است. (سعیدی مهر، ۱۳۷۷: ۲۲۹)

استاد مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو چیز دانسته که یکی حقوق و اولویت‌هایی می‌باشد که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا کرده و دیگر اینکه خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که با استفاده از اندیشه‌های اعتباری، در دستیابی به مقاصد و سعادت خود از آنها به عنوان آلت فعل بهره می‌برد. لذا باید برای رسیدن افراد جامعه به سعادت، یک سری حقوق و اولویت رعایت شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۲۰)

در کتاب‌های مقدس نیز به همین اصل اشاره‌های فراوانی شده است. عدالت پروردگار در آیینه یهودیت و مسیحیت از مهم‌ترین موضوعات می‌باشد. هر فقر و فلاکت اجتناب‌پذیری، به منزله نتیجه حق‌کشی که به زندگی انسان آسیب رساند یا نایبود کند، مغایر با خواست آفریدگار خیر است که «حبیب حیات» و «خداوندگار عدالت» است (برای نمونه ر. ک: مزامیر داود: ۵ / ۷، ۳۳، ۱۱ / ۷)

موضوع عدل الهی در سفر تئیه این‌گونه آمده است:

پروردگار، کارش بی‌عیب و کامل است؛ زیرا که تمام راه و روش‌هایش از روی داوری

و انصاف است، قادر امین، بدون بی عدالتی و ظلم، او عادل و درستکار است.
(سفر تثنیه: ۴ / ۳۲)

عدالت پروردگار در دیگر بخش‌های کتاب مقدس نیز مشاهده می‌شود:

متبارک است خداوند که به درگاه او نه بی عدالتی راه دارد و نه فراموشی، نه از
کسی ملاحظه می‌کند و نه رشوه می‌گیرد. (تلמוד، رساله پدران: ۴ / ۲۹)

قرآن کریم با همین محوریت، ادیان توحیدی را در کنار یکدیگر قرار داده و از پراکندگی آنان
پیشگیری نموده است. دو موضوع عدل الهی و رستاخیز که مورد توافق پیروان همه ادیان آسمانی
است، مسیر وحدت ادیان را هموار نموده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِرِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمَ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا
فَأَهْمَمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ. (بقره / ۶۲)

آنچه که در آیه مورد تأکید قرار گرفته است دو اصل توحید و معاد در کنار یکدیگر می‌باشد. قرآن
کریم با تأکید بر مبانی اعتقادی که در تمامی ادیان مورد پذیرش و وفاق قرار گرفته است، آنان را به
هم‌گرایی و وحدت با دین پیامبر خاتم‌النّبی فرامی‌خواند.

نتیجه

تفرقه از موضوع‌های مورد نفرت قرآن کریم است که به شدت با آن به مقابله و مخاصمه پرداخته
است. در نقطه مقابل، قرآن کریم به اتحاد و همبستگی بها داده و برای آن ارزش قائل شده است.
اتحاد مورد توجه قرآن کریم از یکسو به پیروان پیامبر اکرم ﷺ سفارش شده و از سوی دیگر از
پیروان سایر ادیان آسمانی برای تحقق این هدف تربیتی و اجتماعی دعوت به عمل آمده است.
عبارت پر معنای «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَنَرَّقُوا ...» به مسلمانان دستور صریح داده است که
به ریسمان توحید چنگ زده و از تفرقه پرهیز کنند. اهمیت موضوع وحدت دینی از جنبه‌های مختلف
به مسلمانان یادآوری شده است. قرآن کریم با همبستگی دینی به تشکیل جامعه ایمانی اقدام نموده
به گونه‌ای که دچار سستی و ضعف نشوند. «وَأَطِبِّعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَنَزَّلُوا وَتَدْهَبَ رِيحُكُمْ
وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» همین رویکرد تربیتی - اجتماعی در خصوص ارتباط میان ادیان نیز
موضوعیت یافته است. با نزول قرآن موضوع تعامل با اهل کتاب از اساسی‌ترین مباحث قرآن کریم
قرار گرفته و به ابعاد مختلف موضوع پرداخته شده است. قرآن کریم با ابداع معنایی متعدد از دین،

تسلیم در برابر وحدانیت خداوند را به عنوان اسلام معرفی نموده است تا پیروان موحد همه انبیاء پیشین در زمرة اسلام قرار گیرند: «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ إِلَيْسَ لِلْأَوَّلِينَ...» به این وسیله پایه اصلی اتحاد و همبستگی ادیان آسمانی پی‌بزی گردید.

تفسران برپایه آیات کلام‌الله مجید، دین را در سه نوع دسته‌بندی نموده‌اند که عبارتند از: دین حق، دین باطل و دین ثابت. اکنون با نزول قرآن کریم، اسلام به عنوان دین ثابت با پنهانه‌ای گسترده، همگان را به تکمیل اعتقادات فرا خوانده و نبی مکرم ﷺ را برای ابلاغ این مهم مأمور نموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَيَّ كِلْمَةُ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...»

خدای متعال با دستور به وحدت و همبستگی، پیامبر را مبعوث نموده و هیچ‌گونه اختلافی را تحمل نکرده است. خداوند بروز اختلاف‌های اعتقادی در میان پیروان ادیان را ناشی از خودخواهی و ستمگری دانسته است «... وَمَا احْتَفَ الَّذِينَ أَوْثَوْا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْدَأَيَّا بَيْنَهُمْ...». قرآن کریم در جذب همگانی به تبیین مشترکات ادیان آسمانی پرداخته است تا مخاطبان با سهولت بیشتر به همبستگی دست یابند.

وجود سه محور اساسی در تبیین قرآنی موضوع به چشم می‌خورد. نخست تأکید قرآن کریم بر ریشه توحیدی همه ادیان آسمانی است. دومین محور بر وحدت منشأ و شیوه انبیا و رسولان اختصاص یافته است. محور سوم به عدالت الهی و برقراری نظام پاداش و جزای اخروی اختصاص دارد. این نیز مورد توافق و تعامل دانشمندان مسلمان است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاعه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۹۲، تهران، یاسین نور.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاييس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- باقری، مهری، ۱۳۷۶، دین‌های ایرانی پیش از اسلام، تبریز، دانشگاه تبریز.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه بعثت.
- بلاغی، محمد جواد، بی‌تا، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجданی.
- بنی حسین، محمد صادق، ۱۳۷۲، ادیان و مذاهب جهان، قم، بی‌جا.

- بیضاوی، ناصرالدین، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزيل و أسرار التأويل*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۴ق، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران و قم، سمت، مرکز جهانی علوم اسلامی،

چ. ۷

- تیواری، کدارنات، ۱۳۸۱، *دين شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، تهران، سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- حداد، یوسف دره، ۱۹۸۲م، *الإنجيل في القرآن*، بیروت، منشورات المکتبه البولسیه، چ. ۲.
- خلیل جر، ۱۳۹۱، *فرهنگ لاروس*، ترجمه حمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر.
- دره، محمدطه، ۱۴۳۰ق، *تفسیر القرآن الكريم و إعرابه و بيانه*، بیروت، دار ابن کثیر.
- دروزه، محمد عزه، ۱۴۰۰ق، *القرآن والملحدون*، دمشق، دار قتبیه، چ. ۲.
- دروزه، محمد عزه، ۱۹۷۲م، *القرآن والمشركون*، دمشق، دار الاسلامی.
- رازی، ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- راغب اصفهانی، حسین محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ و طبعه خدمات چاپی، چ. ۲.

۲. زمخشri، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الكتاف عن حقائق غواصي التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأويل*، بیروت، دار الكتاب العربي، چ. ۳.

- سعیدی مهر، محمد، ۱۳۷۷، *آموزش کلام اسلامی؛ خداشناسی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین محلی، ۱۴۲۷ق، *تفسير جلالین*، بیروت، دار الكتب العلمية.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الكتب الاسلامیة.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ق، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البيان فی تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسي، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- عهد قدیم و عهد جدید، ۱۳۸۳ق، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، المکتبه الصدر.

- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، بیروت، دارالکتب الإسلامية.
- کاشانی، فتح الله، بیتا، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- مراغی، احمد مصطفی، بیتا، *تفسیر المراغی*، دارالفکر، بیروت.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۰، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، عدل الهی، *مجموعه آثار*، ج ۱، تهران، صدرا.
- معینی، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الكاشف*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- مقاتل بن سلیمان، ۲۰۱۱ م، *الوجوه والنظائر فی القرآن*، بغداد، مکتبة الرشد.
- مهر، فرهنگ، ۱۳۷۴، *دیلی نواز دینی کهنه (فلسفه زورتشت)*، تهران، نشر جامی.